

سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در گردهمایی سال ۱۳۸۹ دفتر انتشارات کمک آموزشی

بسته‌ای برای ۳-۳-۶

همگام با تحول

اشاره

آموزش و پرورش آبستن تغییر و تحولات بسیاری است. تصویب سند ملی آموزش و پرورش، تدوین برنامه درسی ملی و نیز طرح تغییر نظام آموزشی بر مبنای ۳-۳-۶ نقشه راه این

پژوهش که از چهار سال قبل شروع شده بود، به اتمام رسیده و در آستانه عرضه برای شورای عالی آموزش و پرورش است به نام برنامه درسی ملی. تصویب این دو سند و پیش‌بینی‌هایی که در این دو سند صورت گرفته، آموزش و پرورش را در آستانه یک تغییر جدید و نزدیک به تحول قرار داده است که اگر بتوانیم دلالت‌های این اسناد را عملیاتی کنیم، باید در تمامی مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت، اتفاقاتی جدید بیفتد. از مؤلفه برنامه درسی گرفته تا نیروی انسانی، فضا و تجهیزات، نظام توسعه و تحقیق و نوعی دگرگونی که رو به کمال باشد و کاستی‌های ما را جبران نموده و ما را به اهدافی که در چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور ترسیم شده است، نزدیک کند. بالاتر از همه، نظام جمهوری اسلامی را در تربیت نسلی که در تراز این نظام باشد و به تعبیری برخی از مشخصه‌های آن مانند عالم‌بودن، توان‌مندی، دلسوز بودن و آماده بودن ورود به مرزهای دانش، ایران‌دوست بودن، جمع‌گرا بودن و موارد دیگری که نهایتاً همه این‌ها نشان از این داشته باشد که ما به حیات طیبه نزدیک می‌شویم، نسل را برای ورود به این مرحله آماده سازد و مراتبی از حیات طیبه در زندگی نسل آینده ما ظهور و بروز پیدا کند. این اسناد این هدف‌ها را دنبال می‌کنند. و لذا فعالیت‌هایی که لازم است

کارشناسان دفتر انتشارات کمک آموزشی در تنکابن به تشریح تحول نظام آموزشی و تبیین وظایف رسانه‌های مختلف به‌ویژه مجلات رشد پرداخته‌اند که متن آن در ادامه از نظرتان می‌گذرد.

شادابی در مجلات

از تمام سردبیران، نویسندگان، گرافیست‌ها، مدیران داخلی، کارشناسان دفتر و سایر همکاران تقدیر و تشکر می‌کنم. انصافاً وقتی کارها را کنار یکدیگر قرار می‌دهم، یک رشدی مشاهده می‌شود. من همان‌طور که در خودم پی‌ری و افتادگی را می‌بینم، در مجلات شما شادابی را مشاهده می‌کنم که جای تقدیر و تشکر دارد. در آموزش و پرورش اتفاقات جدیدی در شرف وقوع است. به‌طوری که مجموعه‌ای از مطالعات ما تحت عنوان سند ملی آموزش و پرورش که از حدود پنج یا شش سال قبل شروع شده بود، به خروجی‌های خودش نزدیک شده و در حال تصویب در شورای عالی آموزش و پرورش است. یک سند دیگری در داخل سازمان



تحول را آشکار می‌کنند. بر مبنای تحولات پیش‌رو رسانه‌های آموزشی از شکل تک پایه و ابتدایی صرف به کتاب درسی خارج شده و در قالب «بسته آموزشی» رسانه‌های مختلفی چون نشریات و مجلات آموزشی، لوح‌های فشرده، فیلم، نوارهای صوتی و فضاهای باز فرهنگی را در برمی‌گیرد.

هر یک از این رسانه‌ها در چهارچوب بسته آموزشی موظفند محتواهای خاص آموزشی را برای دانش‌آموزان در نظام ۳-۶-۳ تولید کنند.

دکتر محمدیان معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی طی سخنانی در گردهمایی سال ۱۳۸۹

انجام دهیم باید تحقق بخشنده همین معنا باشد. از سال ۹۱-۹۰ تحصیلی گفتند در تغییر ساختاری که ۳-۳-۶ شده است، ما باید در دو پایه، تغییراتی را صورت دهیم. یک پایه اول ابتدایی و ایجاد پایه ششم ابتدایی. خوب اولین قدم شاید به نظر برسد که تأمین محتوای مناسب و برنامه آموزشی مناسب برای این دو پایه است و براساس اهداف برنامه درسی ملی و اهداف سند ملی، این کار در سازمان برعهده ماست.

تولید محتوا، گام اولیه

از ۱۵ فروردین به این طرف در سال ۸۹ ما جلساتی را تشکیل دادیم و از اردیبهشت، کلید اولیه اجرا را می‌زنیم که این کار شروع شده و ما بتوانیم تا پایان سال ۸۹، محتوای آموزشی لازم و مناسب را تولید کنیم تا این دو پایه راه بیفتند؛ اما تولید محتوا یک گام اولیه است درحالی که باید با ابزار دیگر هماهنگ شود؛ مثلاً وقتی ما اول ابتدایی را دست‌خوش تغییر قرار می‌دهیم، یقیناً لازم است که معلمین اول ابتدایی هم آموزش‌های لازم را ببینند. اگر ۶۰ هزار کلاس اول ابتدایی داشته باشیم، یعنی ۶۰ هزار معلم باید آموزش ببینند. در پایه ششم ابتدایی هم همین‌گونه است. باید معلمان ششم ابتدایی که تا به حال نداشتیم، تأمین شده و آموزش ببینند. علاوه

بر محتوایی که باید اجرا شود، کلاس همین ششم ابتدایی را باید تأمین کنیم.

وقتی می‌گوییم یک تغییر، این تغییر به دنبال خودش تغییراتی نیز دارد. ما بین ۴۲ هزار تا ۶۰ هزار معلم نیاز داریم تا پایه ششم ابتدایی را کامل کنیم. سال اول راهنمایی اگر در سال ۹۱-۹۰ نداشته باشیم در مدارس راهنمایی، یک کلاس خالی خواهیم داشت. در این نگاه، وقتی محتوای آموزشی تولید می‌کنیم، باید محتوای کمک‌آموزشی هم تولید شود.

بی‌تردید این تغییری که در سازمان آموزش داشتیم به نام بسته‌های آموزشی، از این بسته نیز استفاده کرده و بسته آموزشی را تولید کنیم که این بسته آموزشی اعم از کتاب کار، کتاب معلم، نشریه آموزشی و کمک‌آموزشی، محتوای الکترونیکی، آزمایشگاه و سایر موارد خواهد بود.

نمی‌توانیم تمام این موارد را فراهم کنیم ولی تا حد ممکن، باید اقدام و تهیه شود. یکی از توصیه‌ها و دلالت‌های برنامه درسی ملی این است که در کنار محتوای آموزشی، باید محتوای کمک‌آموزشی داشته باشیم یا به تعبیری، همه آموزش‌ها در کلاس اتفاق نیفتد، بلکه محیط‌های یادگیری، توسعه یابند. برخی از محیط‌های یادگیری ما کتاب‌خانه، آزمایشگاه، گردش علمی و فضاهای بیرونی هستند. بخشی از محتوا هم مجلات هستند.

بالاخره این رشد دانش آموز یا نوآموز، در اول ابتدایی باید به معنای زمینه برنامه درسی باشد. الان آیا برای ما این امکان فراهم خواهد شد که به هر دانش‌آموز یک مجله بدهیم و بخشی از فرآیند یاددهی و یادگیری را در آنجا تعقیب کنیم.

همین که دوستان توصیه کردند که جایگاه مجله، در نظام برنامه‌ریزی درسی چیست؟ در این صورت ما باید به عنوان نمونه با سردبیر محترم رشد نوآموز و همچنین نویسندگان آن، نشست‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی داشته باشیم. ببینیم چه بخشی از درس برنامه‌های ملی در مجله قابل تحقق است.

مجلات نباید کتاب باشد

دوستان تعبیر زیبایی را به کار بردند که مجلات ما نباید کتاب باشد. تاریخ و زمان در مجله مؤثر است. ما اگر محتوای تولیدشده‌ای را در مجله منتقل کنیم، صفحاتی از یک دایره‌المعارف می‌شود؛ درحالی که در مجله، نو بودن و شادابی اهمیت زیادی دارد. یکی از مشکلات در کتاب درسی این است که کتاب درسی برای یک هدف بلندمدت نوشته می‌شود و با مفاهیم ثابت چاپ می‌گردد. تا در بنیادهای علمی، دانش حقیقی ایجاد نشود، در مرجع درسی تغییری ایجاد نخواهد شد. حداقل زمانی که می‌شود یک کتاب را

یکی از توصیه‌ها و دلالت‌های برنامه‌درسی ملی این است که در کنار محتوای آموزشی، باید محتوای کمک‌آموزشی داشته باشیم

است. اگر فرض کنیم هر کدام از مجلات که یک فریم از یک عکس یا یک سکانس از یک فیلم هستند، کنار هم قرار می‌گیرند، باید حرکت و پویایی را نشان دهند. از رنگ گرفته تا تصویر باید در کنار هم به صورت خطی یا نیم‌دایره، زیبایی بصری را نشان دهند. در محتوا هم به همین صورت. منحنی محتوای شما نباید فرود داشته باشد. گاهی اوقات مشاهده می‌شود که در دو شماره، استفاده از حرف‌های جدید رو به رشد بوده ولی ناگهان در یک شماره، کمبود محتوا دیده می‌شود و مطلبی منتشر شده که به سه دهه قبل برمی‌گردد. البته اگر این مسئله به ثبت تاریخ علمی مربوط باشد، اشکالی ندارد ولی درج یک مقاله مستقل مربوط به سه دهه قبل که به آن عمل نمی‌شود، اشکال دارد. این‌ها نباید وجود داشته باشند.

از الگوها و روش‌های جدید استفاده کنید

از الگوها و روش‌های جدید استفاده کنید. طنز جدید برای آقای شفيعی بوده که

که برای این دو سال اول آموزش ابتدایی در مدرسه است. در سال‌های بعدی رشد راهنمایی تحصیلی- که البته اسم آن سیکل اول متوسطه یا دوره متوسطه می‌شود- درس‌ها که تغییر پیدا می‌کند، خود رندهای تخصصی آن درس‌ها می‌تواند معلمان را پشتیبانی کند. این‌ها جهت‌گیری‌هایی است که ما برای سال آینده باید تدارک ببینیم و تقریباً در ظرفیت‌ها و اندازه‌های مجله برای آن فکر و به آن برنامه توجه کنیم. البته این نکته را باید خط نگهداری کنیم که مجله از حیث مجله بودن خارج نشود. یعنی باز ما مجله‌ای نمی‌خواهیم منتشر کنیم که یک نشریه توجیهی یا دستورالعمل تغییر نظام باشد. مجله باید مجله باشد و کمک کند.

مجلات باید حرکت و پویایی را نشان دهند

به دو نکته دیگر هم اشاره کنم. از سال قبل به این طرف، دقت‌هایی را کرده و قدم‌هایی را برداشته‌ایم. دوستانی که کار هنری و گرافیک مجلات را انجام می‌دهند، باید به شاداب بودن، پویایی و با نشاط بودن رنگ، صفحه‌آرایی و طرح مجله توجه بیشتری بکنند. در مجله نباید گرد و غبار ایستایی پاجیده شود. باید احساس کنیم در هر شماره از مجله حرکتی صورت گرفته

تغییر داد، پنج سال یا یک دهه است. اما در عین حال در حاشیه و پیرامون این دانش، اتفاقات جدیدی می‌افتد که لازم است بیان شود. یک مجله کمک‌آموزشی می‌توانیم ایجاد کنیم. خود انعکاس نظر صاحب‌نظران، معلمان و منتقدان در مجلات تخصصی یک ضرورت است. مجلات تخصصی ما ضمن این که از برنامه درسی پشتیبانی می‌کنند، باید منعکس‌کننده کاستی‌ها هم باشند. البته یک‌زمانی دکتر میرباقری جمله‌ای را گفت که باید ببینیم این نقد چه اندازه باشد. آیا مبنای مجله را به هم بریزد و کتاب درسی را بی‌ارزش کند؟ به هر حال یک حدودی دارد. نقدی که تکمیل‌کننده باشد. نقدی که در چاپ مجدد آن محتوا ما را یک قدم به جلو برد نه این که بنیاد و مبانی را به هم بریزد.

مجلات، منبع مطالعاتی ضمن خدمت معلمان

اما مجلات در عین حال نباید از انعکاس نقدها بی‌بهره باشند و بخشی از مجلات تخصصی ما به‌عنوان منبع مطالعاتی یا آموزش ضمن خدمت یا ارتقای دانش معلمان است. ما در این تغییر برنامه درسی یا ساختار نظام آموزشی نیازمند خواهیم شد که مجلات یک نقش جدی‌تری در این موضوع ایفا کنند؛ مثل مجلات رشد معلم، رشد آموزش ابتدایی

پیشنهاد شده از فضای طنز استفاده شود. من از طنزهای ایشان راضی هستم چرا که لبخند را به روی لب‌های خواننده می‌نشانند. البته گاهی اوقات باید درخصوص طنز هم مراقبت‌هایی صورت بگیرد. تمثیل، روایت و گفت‌وگو هم می‌تواند مراقبت شده و مناسب باشد. مخصوصاً مصاحبه‌ها که نباید کلیشه‌ای شوند. باید مواظب باشیم که در مجموعه مجله ما، گفت‌وگوها و نوشته‌ها به‌نوعی کلیشه‌ای نشوند. براساس جمله‌ای که گفته شده، ما باید تا مخاطبین از تیترها و نوشته‌هایمان سیر نشده‌اند، کنار بکشیم. ما باید در روش‌ها و نوشتن الگوها، مخاطبین را دل‌زده نکنیم.

ملاحظات ویرایش

نکته دیگر، ویرایش است.

در این زمینه جلساتی با فرهنگستان داشتیم. در سازمان ما یک شیوه‌نامه داریم. آن شیوه‌نامه با اصلاح این مطلب رعایت می‌شود که آن‌چه را فرهنگستان تأکید کرده و مصوبه فرهنگستان است، شیوه‌نامه نگارشی ما محسوب می‌شود. در دو مورد ما با فرهنگستان تفاوت داشته‌ایم. یکی یای میانجی یا یای کوچک که به‌صورت یای بزرگ می‌نوشتیم. مثلاً «خانه‌ی» که «ی» تنها می‌نوشتیم. استدلال دوستان ما در

آموزش این بود که این برای آموزش راحت‌تر است. دانش‌آموزان آن را به‌خوبی یاد می‌گیرند. فرهنگستان هم قبلاً یک مجوزی داده بود. در این دو سال اخیر در زمان حضور آقای نوید، یک نامه‌ای خدمت آقای رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس عالی فرهنگستان‌ها نوشته بودند که شما یک چنین مجوزی را بدهید که فرهنگستان این مطلب را برای ما ایراد نگیرد، مورد صدور واقع نشد.

در جلسات آن‌ها شرکت کردیم. نهایتاً به این جمع‌بندی رسیدیم که در دوره ابتدایی تا زمان آموزش، ما یای میانجی را جدا بنویسیم. اما بعد از آن اصراری نداشته باشیم که یای میانجی جدا نوشته شود.

در متون آموزشی دیگرمان یعنی بعد از دوره ابتدایی و مجلات دیگرمان ما از همزه استفاده کنیم. یکی هم «های» جمع بود که این را نیز اجازه داده بودند بتوانیم جدا بنویسیم. این هم در آموزش لحاظ شده است. اما نکته مهم این است که در فرهنگستان بعضی از نگارش‌ها را با دو املا می‌شناسند. یعنی می‌شود هم جدا و هم سرهم نوشت. در سازمان یک نگاهی که به آثار کردم، دیدم یک رویکرد تقریباً افراطی پیدا کرده‌ایم که جدا بنویسیم. یعنی حتی آن‌هایی را که دو املائی هستند. تأکید می‌کنیم که املائی جدای آن کار شود. آن‌هایی که دو املائی

نگفته‌اند را نیز عطف می‌کنیم به غیر دو املائی‌ها و جدا می‌نویسیم. این مسئله مورد اعتراض فرهنگستان واقع شده و وارد است. اگر قرار باشد هر بنگاه انتشاراتی برای خودش یک سبکی را عمل کند و هر دستگاهی برای خودش یک روشی را ابداع کند، نهایتاً دچار مشکلات و نابسامانی‌های نگارشی می‌شویم.

به همین جهت ما در ویرایش علمی-محتوایی که در هر حوزه‌ای اتفاق می‌افتد، نسبت به ویرایش ادبی هم، این نامه‌ای را که خدمت‌شما تقدیم می‌شود به‌عنوان دستورالعمل رعایت می‌کنیم. در دو املائی‌ها هر کدام را انتخاب کردید، عمل کنید. ولی به‌نوعی باشد که تنوع ایجاد شود. یکی از دوستان نویسنده، همه‌چیز را جدا می‌نویسد که افراط است. یکی از اساتید قدیمی هم در دانشکده ادبیات همین افراط را داشت. ما می‌خواهیم خواندن روان‌تر شود. مانند کتابخانه که عادت کرده‌ایم سرهم بنویسیم. یک نکته هم یادآوری مجدد مجله تکنولوژی آموزشی، آموزش ابتدایی، رشد نوآموز و رشد معلم است که سال آینده با این‌ها کار زیادی داریم. دفتر یک کار خوبی انجام داد. از آقای یغما در حد وسیعی که داشتیم قدردانی کرد، البته این قدردانی در اندازه شخصیت آقای یغما نبود؛ چرا که ایشان حق بزرگی دارند. این سنت مرضیه را باید حفظ کرد.

یک نکته عطف زمانی

مجلات را که نگاه می‌کردم ظاهراً یک یا دو شماره دیگر، مجله ریاضی هم صد ساله می‌شود. به نوعی خود این مقاطع، چله‌ها، سده‌ها، دهه‌ها یا می‌تواند یک نکته عطف زمانی در یک مرور باشد. همان طوری که الان گردهم‌آیی رسانه داریم، نسبت به مجلات هم این نگاه را داشته باشیم. یک ایستگاه و توقفی باشد و هم تقدیر و قدرشناسی ما از کسانی که کار کرده و زحمت کشیده‌اند. از طرفی یک محل تأملی باشد بر آن چه انجام داده‌ایم.

جلسات با برنامه‌ریزان درسی

جلسات مشترک با برنامه‌ریزان درسی را هم توصیه می‌کنم. به‌عنوان اولین قدم اگر فرصتی شود، گروه تلفیق برنامه درسی ملی را دعوت کنیم که گزارشی از برنامه مجموعه درسی ملی ارائه دهند. این که در کلیات مجموعه درسی ملی چه گفته شده، الگوی هدف‌گذاری چه بوده است. ساختار آموزشی را چگونه دیده‌ایم. در دوره‌های آموزشی، ساعات آموزشی را چگونه دیده‌ایم. حوزه‌های یادگیری ما کدام هستند. عناوین درسی ما کدام هستند. کدام عنوان درسی، چه ساعتی از آموزش را به خود اختصاص می‌دهد. نوع ارزش‌یابی ما در آن برنامه

درسی چگونه خواهد بود. ویژگی‌های معلمان در آن درس‌ها چگونه باید باشد. روش ارائه درس ما تلفیقی است؛ ترکیبی و یا جدا. همه این‌ها باید در معرض اطلاع شما قرار بگیرد. گاه می‌تواند نقد شود و گاه شما را آماده کند که در مجلات تخصصی، کمک‌حال مناسبی باشید. حتی معاونت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات آموزشی را هم می‌توانید در جمع خودتان داشته باشید که آن‌ها بتوانند آن چه را که در حوزه تولید الکترونیک انجام می‌دهند، به اطلاع شما برسانند و هم شما از امکانات آن‌جا برخوردار شوید. این پیشنهاد هم که شنیدم گفتید سرریز مطالب شما تولید الکترونیکی باشد، خوب است.

آقای سنگری به من می‌گفت که ما در ادبیات فارسی به حدی محتوا داریم که می‌توانیم مجله را زود به زود منتشر کنیم. خوب در این‌ها یک معذوریت‌هایی هم داریم. نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم. از طرف دیگر، همکاران ما در آموزش و پرورش، تولید محتوا می‌کنند و انتظار دارند که به نوعی منعکس شود. می‌توان همین را پیش‌بینی کرد. ما این دانش‌نامه رشد را که در شبکه دایره‌المعارفی داریم، در همان‌جا این‌ها را به اسم مجله الکترونیکی رشد ادبیات، رشد معارف، رشد هنر و...

جلسات مشترک با برنامه‌ریزان درسی را هم توصیه می‌کنم. به‌عنوان اولین قدم اگر فرصتی شود، گروه تلفیق برنامه درسی ملی را دعوت کنیم که گزارشی از برنامه مجموعه درسی ملی ارائه دهند

داشته باشیم و منتشر شود. آن‌هایی که جنبه ماندگاری دارد به تعبیری تأمل خاطر بیشتری را می‌طلبد. این هم قابل بررسی است و می‌توانید با آن معاونت به نوعی صحبت کنید. البته در حال حاضر می‌گویند که مطالعه از روی شبکه‌های مجازی و الکترونیکی، بیشتر شده ولی خود من هم چون تربیت‌یافته نظام سنتی قبل هستم، هنوز بوی کاغذ را دوست دارم؛ مثل دوستی که بوی بنزین را دوست داشت و ادکلن او نیز بوی نفت و بنزین داشت. بنده هم بوی کاغذ به‌خصوص کاغذ کهنه را دوست دارم. هنوز به این صفحه‌های الکترونیکی عادت نکرده‌ام. به هر حال می‌توان سرریز این مطالب را در آن‌جا نیز استفاده کرد. جذب اندیشه و جلب اندیشه نیز نکات خوبی است. در آخرین جمله هم، آن چه را گفته و جمع کرده‌اید، منشور کنید، تا ان شاءالله دستورالعمل ما باشد.